جزر و مدهای زندگی با یک دریانورد

گروه حوادث- یک زن از شوهر دریانورد خود که او را در کابین یک کشتی نفتکش کتک می‌زد، شکایت کرد.

قاضی شعبه ۱۰۸۵ دادگاه عمومی تهران این مرد دریانورد را به پرداخت دیه محکوم کرد.

بنا به این گزارش زن ۳۰ ساله‌ای با مراجعه به مجتمع قضایی رسالت از شوهرش به خاطر ایراد صدمه بدنی شکایت کرد. این زن وقتی در برابر میز قاضی حمید عبدالمنافی رئیس شعبه ۱۰۸۵ این مجتمع قرار گرفت، گفت: در سال ۷۵ از طریق یکی از دوستانم با پسر جوانی که مهندس کشتی های نفتکش بود آشنا شدم و یک سال و نیم بعد با مهریه ۲۵۰ سکه بهار آزادی با هم ازدواج کردیم. شغل همسرم به گونه‌ای بود که دائماً به کشورهای حوزه خلیج فارس و کشورهای اروپایی رفت و آمد می کرد و در هر بار سفر مجبور بود بمدت ۴-۳ ماه از من دور باشد. در اوایل فکر این که چندماه همسرم را نبینم عذابم می داد اما وقتی زندگی مشترک را شروع کردیم در واقع آرزو داشتم هر چه زودتر تنها شوم و او به دریا برود.

این زن، با ناراحتی ادامه داد: همسرم پشت مرا آزار می داد. اگر در برابر آزارهایش سکوت می کردم می گفت ریگی در کفشت داری و نمی توانی اعتراض کنی. اگر هم در برابر او می ایستادم بشدت مجازات می شدم. او حتی به خاطر زیبایی خدادادی چهره ام هم مرا شکنجه می کرد.

همسرم قبل از ازدواج به من قول یک زندگی آرام، گرم و مرفه را داده بود. اما او با آنکه درآمد بالایی داشت هیچ وقت هزینه ای را صرف زندگی نمی کرد و ما از حداقل امکانات یک زندگی معمولی هم محروم بودیم.

هر بار تمهداتی را که قبل از ازدواج به من داده بود، یادآوری می کردم او مرا مورد تمسخر قرار می داد.

۶ سال از زندگی ما می گذشت و هر روز بر اختلافات بین ما افزوده می شد. همسرم تصمیم گرفت مرا هم به دریا ببرد. وحشت کرده بودم. می دانستم اتفاقات خوبی در انتظار من نیست اما او بشدت مرا کتک زد و مرا به زور با خود برد. در یک کشتی نفتکش با ۴۰ پرسنل مرد مدت ۳ ماه روی آب! در یک کابین ۱۰ متری که یک سرویس بهداشتی کوچک داشت، بودم. در مدت ۹۰ روز فقط کتاب می خواندم و جدول حل می کردم. همسرم به هربهانه ای مرا کتک می زد. او دستهای مرا با طناب می بست و در کابین اش گلوی مرا آنقدر فشار می داد که حالت خفگی به من دست می داد. او تهدید کرده بود که مرا در آب دریا می اندازد. هیچ وسیله ارتباطی نداشتم. باید روی آب با امواج رادیویی صحبت می کردم که هزینه زیادی داشت. در آنجا یک پاکستانی که در کابین بغلی ما بود به کاپیتان فهماند که این زن جوان خیلی شکنجه می شود و گریه می کند، وقتی به خشکی رسیدیم و کشتی لنگر انداخت او را نزد خانواده اش برگردانید. همسرم وقتی از سوی کاپیتان مؤاخذه شد مرا بشدت تنبیه کرد و گفت چرا آبرویش را برده ام.

همسرم ۳ مرتبه و هر بار بمدت ۳ ماه مرا روی آب برد. من در آن مدت نقاشی می کشیدم، نقاشی هایم همه مناظری بودند که دریای آن سیاه بود، مثل بخت من...

به صورت ناخواسته مادر شدم. با تولد پسرم نه تنها زندگی ما شیرین نشد بلکه پسرم هم پا به پای من شکنجه می شد. همسرم که علاقه زیاد من را به پسرم می دید به خاطر عذاب من پسرم را شکنجه می داد.

این زن جوان در حالی که تعهدنامه ای محضری را به رئیس دادگاه ارائه کرد، گفت: به خاطر سوء رفتار همسرم با وساطت دو نفر از بستگان پس از هر بار کتک کاری او تعهد می داد که دیگر رفتارش را ادامه ندهد. حتی یک بار او به قدری مرا کتک زد که دست چپم شکست و در کلانتری ۱۰۶ شکایت کردم اما چون شوهرم در کلانتری تعهد به حسن رفتار داد رضایت دادم و پرونده را پیگیری نکردم. تا اینکه در آخرین وساطت فامیل ناخودآگاه از او خواستم تا تعهد محضری دهد. همسرم در تعهدنامه ای در ۶ بند رسماً قول داد تا از تحقیر من، شکستن و پرتاب کردن لوازم خانه به سمت من و پسرم، تهدید جانی به وسیله چاقو خودداری کرده و نفقه من و فرزندم را بپردازد. همچنین او متعهد شد تا در صورت تکرار این موارد من قانوناً اجازه طلاق داشته باشم.

بعد از این تعهدنامه هنوز یک ماهی نگذشته بود که یک شب همسرم متوجه شد انگشتر در دست ندارم. وقتی علت آن را پرسید گفتم هنگام ظرف شستن در خانه مادرم کنار ظرفشویی جا مانده است. باور کردنی نبود. هنوز حرف من تمام نشده بود که همسرم به سمت من حمله ور شد. او گلوی مرا با دستانش فشار می داد. پسرم ترسیده بود. پاهای پدرش را گرفت اما او بچه را به گوشه ای پرتاب کرد.

ساعت ۱ بامداد بود و همسایه ها به خاطر سروصدا پشت در خانه ما جمع شده بودند. با سروصدای همسایه ها او مجبور شد در خانه را باز کند. صورتم کبود شده و صدایم تغییر کرده بود. با فامیلها تماس گرفتیم و همسرم گفت اگر او را از اینجا نبرید تا صبح حتماً زنم را می کشم. نیمه شب من و پسرم با دست خالی از خانه او بیرون آمدیم. تا ۹ ماه منتظر تغییر رفتار همسرم بودم وبعد با اجرا گذاشتن مهریه ام و درخواست طلاق در شعبه ۲۶۲ مجتمع قضایی خانواده۲ تصمیم گرفتم از شوهرم جدا شوم. فکر می کردم با بازگشت به خانه پدری از کتک های همسرم رها می شوم. اما او هر بار که به دیدن بچه می آمد مرا جلوی چشم همسایگان کتک می زد. به خاطر کتک کاری و آبروریزی که او در بار ملاقات فرزندم راه می انداخت مجبور شدم بچه را به پدرش برگردانم. او نه حاضر به نگهداری فرزند بود و نه حاضر به پرداخت نفقه و نه حاضر به سپردن مسؤولیت بچه به من. او با بی مسؤولیتی تمام فرزندم را از من گرفت وکلیه مسؤولیت او را به خواهرش که درخارج از ایران به سر می برد سپرد و خودش دوباره به دریا برگشت.

قاضی حمید عبدالمنافی رئیس شعبه ۱۰۸۵ مجتمع قضایی رسالت این دریانورد ۴۳ ساله را به اتهام ضرب و جرح عمدی همسر جوانش هنگام ملاقات فرزند به پرداخت دیه محکوم کرد.

به گزارش خبرنگار ما این دریانورد جوان از سوی شعبه ۱۱۰۶ دادگاه عمومی تهران نیز به خاطر ضرب و جرح عمدی زنش محکوم به پرداخت دیه شده است و پرونده استرداد جهیزیه و درخواست طلاق این زن در شعبه ۲۶۲ دادگاه خانواده تهران تحت رسیدگی است.

راز ناگشوده سرقت یا آدم‌ربایی

گروه حوادث: یک دختر جوان که به اتهام سرقت جواهرات از خانه پسری بازداشت شده بود ادعا کرد از سوی وی و دوستانش ربوده شده بود.

این دختر در پی شکایت پسر جوانی مبنی بر این که او همراه دو مرد جوان با یک نقشه از پیش طراحی شده جواهرات خانه اش را به سرقت برده اند، بازداشت شد.

بنا به این گزارش صبح روز شنبه ۱۴ آبان ماه سال جاری پسر جوانی با مراجعه به کلانتری ۱۳۹ مرزداران با ارائه شکایتی اعلام کرد: مدت ها بود که بیکار بودم و به دنبال کار می گشتم روز ۷ آبان ماه وقتی برای رفتن به خانه سوار اتومبیلی شدم راننده و دوست او وقتی متوجه مشکل من شدند از آن جایی که فارغ التحصیل رشته کامپیوتر بودم مرا دعوت به کار کردند و دو روز بعد در تماس تلفنی از من خواستند تا زیر پل ستارخان با آن ها ملاقات کنم. وقتی آن جا رفتم به من گفتند یک شرکت کامپیوتری دارند و به زودی از من دعوت به کار خواهند کرد.

وی ادامه داد: بعد از گذشت دو روز در حالی که منتظر تماس آنها بودم دختر جوانی در تماس با منزل ما خود را منشی شرکت معرفی کرد و ازمن خواست تا ساعت ۱۴ او و آن دو مرد جوان را ملاقات کنم. وقتی به محل قرار رفتم سوار خودروی آنهاشدم ولی در بین راه آن ها به بهانه این که عکس و کپی شناسنامه ندارم از من خواستند تا مدارک لازم را تهیه کنم. به همراه هم به خانه مان رفتیم و زمانی که من برای پذیرایی از آنها به آشپزخانه رفته بودم ضربه محکمی از پشت به سرم خورد و دیگر چیزی متوجه نشدم. وقتی به هوش آمدم متوجه شدم مبلغ ۱۸۸ هزار تومان پول نقد، یک سامسونت، گوشواره و گردبند طلایی که متعلق به خواهرم بود به سرقت رفته است.

با اعلام شکایت پسر جوان به دستور بازپرس مؤمنی از شعبه هفتم دادسرای ناحیه ۲ اکیپی از مأموران پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران تحقیقات خود را آغاز و دختر جوان را در منزل خواهرش شناسایی و بازداشت کردند.

صبح روز گذشته دختر جوان با انتقال به دادسرای ناحیه ۲ تحت بازجویی قرار گرفت. وی با دروغ خواندن ادعاهای پسر جوان گفت: چند روز قبل برای معالجه بیماری ام از شهرستان به خانه خواهرم در تهران آمدم. صبح روز هفتم آبان ماه برای خرید از خانه خارج شدم و چون تصمیم گرفتم سوار خودرو شوم، بعد از چند دقیقه خودرویی که سه پسر جوان سرنشین آن بودند مقابلم توقف کرد و بعد از این که سوار شدم آنها به بهانه برداشتن چیزی از منزل مرا به خانه ای در مرزداران بردند. در آن جا دو نفر از آن ها قصد داشتند به من تجاوز کنند ولی یکی دیگر از آن که صاحبخانه بود اجازه نداد و مرا به اتاق خواهرش برد. من در آن جا با دیدن گوشواره های روی میز وسوسه شدم و آن را برداشتم و بعد از چند دقیقه آن پسر مرا به خانه خواهرم بازگرداند. بعد از چند روز هم وقتی فهمیدم او پی به گم شدن گوشواره های خواهرش برده است آن ها را به او بازگردانده ولی او با ادعاهای دروغ مرا سارق منزلشان معرفی کرده است.

بازپرس شعبه هفتم پس از ادعاهای این دختر و اظهارات پسر جوان از آن جایی که احتمال داد ادعاهای این دختر و پسر برای منحرف کردن مسیر پرونده است با صدور دستور قضایی دختر جوان را باقرار بازداشت و برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار پلیس آگاهی تهران قرار داد.

موبایل روشن آدم‌ربایان را فراری داد

گروه حوادث - روشن بودن تلفن همراه مردی که از سوی چند آشنا ربوده شده بود، ربایندگان را در اجرای نقشه خود ناکام گذاشت.

این مرد از سوی چند تن از دوستانش به تصور اینکه همدست یک کلاهبردار فراری است، به گاراژی کشانده شد.

بنا به این گزارش، شامگاه چهارشنبه ۱۶ شهریور ماه سال جاری وقتی تلفن همراه مردی زنگ خورد و شاسی مکالمه را فشرد، صداهای پرخاشگرانه ای شنید که همگی آشنا بودند و یکی از دوستانش با التماس از آنان می خواست دست از سرش بردارند.

دقایقی نگذشته بود که یکی از مهاجمان وقتی پی برد موبایل روشن است و صدای حیرت زده مردی که آن را می شناسد از آن سوی گوشی شنیده می شود، دوستان دیگرش را خبر کرد. آنان مرد ربوده شده را در گاراژ رها کردند و سوار بر خودروی دوفوپرزوه ای رنگ وی گریختند.

با رهایی صاحب آبکاری آهن از دست ربایندگانش، او توانست خود را به خارج از گاراژ در شهرک کاروان برساند و به پلیس شکایت ببرد.

این مرد در شکایت خود به بازپرس شعبه ۹ دادسرای شهید محلاتی گفت: «مردی که در زمینه آبکاری آهن با من و دیگر همکارانم آشنا بود، از همه آنها به کلاهبرداری میلیونی دست زده است و من نیز ۳۰ میلیون تومان از وی طلب دارم، حتی به دادگاه شکایت برده و حکم جلب این کلاهبردار را دارم.»

وی افزود: «کسانی که من را ربوده اند، ۵ مرد آشنا هستند و همگی در زمینه آبکاری آهن کار می کنند. آنان تصور می کردند که کلاهبردار از نزدیکان من است یا با او رابطه دارم. به خاطر همین با بهانه ای من را به گاراژی کشاندند، کتکم زدند و اگر موبایلم را روشن نمی کردم و دوستم به این رباینده گان آشنا نبود، نمی دانم چه بلایی بر سرم می آوردند، آنان از ترس اینکه توسط دوستم شناسایی شده اند، تنها خودروام را به سرقت بردند.»

بنا به گزارش خبرنگار ما، پرونده این آدم ربایی و سرقت در اختیار آگاهی جنوب شرق قرار گرفته است و تحقیقات در این زمینه ادامه دارد.

نقدی بر شیوه جدید انتقال خودروها

نگاهی به ماده ۲۰ آیین نامه راهنمایی و رانندگی

محمود محمدزاده

پس از ماهها بحث و گفت وگو در نحوه تنظیم اسناد انواع خودرو و نیز تعویض پلاک خودروها در مراکز خودرویی راهنمایی و رانندگی بین سازمان ثبت و کانون سردفتران و دفترياران و مسؤولان راهنمایی و رانندگی، در نهایت «ماده ۲۰ آیین نامه راهنمایی و رانندگی در هیأت محترم دولت تصویب شد و تحت شماره ۱۵۷۵۷۵ مورخ ۸۴/۴/۱۱ در روزنامه رسمی برای اطلاع مردم انتشار یافت، مضمون ماده این است که:

«هنگام نقل و انتقال مالکیت وسایل نقلیه متعاملین یا قائم مقام قانونی آنها درخواست خود را به راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی یا مراکز مجاز تعیین شده ارائه کنند تا پس از احراز اصالت خودرو و تطبیق مدارک آنها نسبت به فک پلاک منصوبه بر روی خودروی مورد معامله و اختصاص پلاک جدید و صدور شناسنامه جدید و ثبت تغییرات مزبور در نظام رایانه ای راهنمایی و رانندگی، اقدام شود. سپس مراتب به طور کتبی از سوی راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی یا مراکز مجاز تعیین شده به دفتر اسناد رسمی برای تنظیم رسمی انتقال منعکس می شود. کارت خودرو از سوی راهنمایی و رانندگی بعد از تأیید مراتب تنظیم سند در دفترخانه اسناد رسمی که به وسیله پست سفارشی یا رایانه ای به سیستم راهنمایی و رانندگی منعکس می شود به خریدار تحویل داده می شود. گواهی راهنمایی و رانندگی و شناسنامه صادره تا دو ماه اعتبار دارد و در خلال مدت مذکور، متعاملین یا قائم مقام قانونی آنها موظف اند برای ثبت معامله ودرج آن در ذیل شناسنامه (محل مخصوص) به دفتر اسناد رسمی مراجعه کنند.»

تبصره: شرایط ونحوه احراز صلاحیت مراکز مجاز موضوع این فصل و نحوه نظارت بر آنها به موجب دستورالعملی خواهد بود که به پیشنهاد راهنمایی و رانندگی به تصویب وزیر کشور می رسد.

با امعان نظر در نحوه تصویب ماده، تبعات عملی آن را در جامعه از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می دهیم:

الف: از نظر حقوقی

۱- فرازهای ماده برخلاف عرف معمول جامعه بوده که سالیان متمادی مردم و ارگانهای دولتی و غیره آن را قبول داشته اند و خلاف قوانین جاری است به این معنی که قبلاً سند خودرو مورد معامله در دفتر اسناد رسمی تنظیم می شد و پس از تثبیت مالکیت خریدار، به موجب سند رسمی برای انجام امور مربوطه به راهنمایی و رانندگی مراجعه می کردند.

نحوه عمل براساس ماده ۲۰ برخلاف اصل تسلیط و ماده ۳۰ قانون مدنی است، که بیان می کند «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد.»

طبق ماده فوق طرفین معامله قبل از تنظیم سند و تثبیت مالکیت خریدار به مراکز خودرویی مراجعه و تعویض پلاک کرده و خریدار پلاک مختص خود را دریافت و برروی خودرویی نصب می کند که از نظر قانونی «مالکیتی بر آن مال ندارد و مایملک خریدار نیست.»

۲- قصد و اراده طرفین در معاملات انواع خودرو فروش مال منقول است نه انتقال و یا تعویض پلاک خودرو و تا زمانی که سند انتقال در دفتر اسناد رسمی تنظیم و امضا نشده و مالکیت خریدار مسجل نشده صدور شناسنامه اتومبیل با پلاک جدید به نام خریدار با قید مشخصات خودرو، خلاف قوانین آمره است.

۳- تنظیم و امضای سند قبل از تعویض پلاک، آثار و عوارض حقوقی ناشی از انصراف از معامله را از طرف هر یک از طرفین، زایل کرده از تشکیل پرونده درمراجع انتظامی و قضایی و نابهنجاری های اجتماعی جلوگیری می کند. در ماده ۲۰ مدت اعتبار شناسنامه صادره از مراکز خودرویی دوماه قرار داده شده، در طول مدت فوق احتمال حدوث اتفاق زیادی (از جمله فوت) برای هر یک از طرفین وجود دارد. که سبب عدم امضای سند رسمی خواهد شد. در این صورت خودرو دارای دو مالک خواهد بود، از نظر قانونی دارنده سند، مالک است و از نظر راهنمایی و رانندگی دارنده شماره پلاک که در سوابق به نام شخص دیگر شماره انتظامی صادر شده (مالک بالفعل و مالک بالقوه).

۴- صدور شناسنامه جدید و تعویض پلاک به نام خریدار بدون احراز هویت واقعی و احراز عدم محجوریت و عدم ممنوعیت معامله وی از سوی مراکز خودرویی طرفین را در زمان تنظیم سند در دفتر اسناد رسمی با مشکل مواجه خواهد کرد و تبعات حاصله متوجه جامعه خواهد شد.

۵- احتمال تغییر میزان مالیات و حق الثبت و بالطبع قیمت خودروها در مدت ۲ ماه مقرر در ماده وجود دارد که به ویژه پلاک هایی که در اواخر ماههای بهمن و اسفند تعویض می شوند و طرفین به اعتبار مدت مذکور اقدام به تنظیم سند در دفترخانه نمی کنند و سال صدور شناسنامه اتومبیل با پلاک جدید به نام خریدار با قید مشخصات خودرو، خلاف قوانین آمره است.

۳- درتهران تقریباً هزار دفترخانه فعالیت دارند. اگر نصف دفاتر در روز، یک سند مشمول تعویض پلاک تنظیم کنند، پانصد (۵۰۰) خودرو باید تعویض پلاک شود. برای هر خودرو حداقل دونفر و همراه خانمها معمولاً یک نفر (همسر، برادر، پدر) باید به مراکز مراجعه کنند. فرد همراه را در فرض آماری نصف حساب می کنیم.

تعداد افراد مراجعه کننده به مراکز یک هزار و دویست و پنجاه نفر (۱۲۵۰=۲/۵×۵۰۰) است و اگر زمان معمول رفت و برگشت و طول انجام کار در مراکز خودرویی را چهارساعت فرض کنیم، میزان زمان لازم برای تعویض پلاک در روز در تهران ۵ هزار ساعت (۵۰۰۰=۴×۱۲۵۰) است که معمول زمان رفت و برگشت از مرکز تهران مانند میدان ولیعصر، میدان ونک و میدان جهاد به مراکز خودرویی که در کیلومترهای سه و هفده جاده کرج و خاوران قرار دارند، حساب شده است.

هرساعت زمان صرف شده را براساس دستمزد کارگر ساده ساختمانی ساعتی ده هزار ریال فرض می کنیم. ارزش زمان صرف شده برای تعویض پلاک ۲۰۰ میلیون ریال (۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰=۴۰۰۰۰×۵۰۰۰) است و تعداد اتومبیلهای مراجعه کننده به مراکز فوق، علاوه بر ۵۰۰ خودرو، یکصد خودروی دیگر افراد همراه و یا واسطه یکی از طرفین با خودرو دیگری است. که تعداد خودروهای مراجعه کنننده به مراکز ۶۰۰ خودرو (۶۰۰=۱۰۰+۵۰۰) خواهد بود. مصرف هر خودروی در تردد حداقل ۶ لیتر بنزین است که مجموعاً ۳ هزار و ۶۰۰ لیتر (۳۶۰۰=۶×۶۰۰) خواهد بود و هزینه بنزین مصرفی یا یارانه که دولت می پردازد ۲ میلیون و ۸۸۰ هزار ریال (۲/۸۸۰/۰۰۰=۸۰۰×۳۶۰۰) است.

آمار ذکرشده فقط مخصوص تهران است. چنانچه کل کشور سه برابر آمار تهران فرض شود، تعداد مراجعان هرروز ۳ هزار و هفتصد و پنجاه نفر، ساعات صرف شده ۱۵ هزار ساعت کاری مبلغ ۶۰۰ میلیون ریال دستمزد و هزینه بنزین مصرفی ۸۶ میلیون و چهارصدهزار ریال خواهدبود که با آمار تهران باید جمع شود که فقط هزینه بنزین مصرفی در ۳۶۰ روز کاری در سال مبلغی بیش از سی و دو میلیارد ریال خواهدبود.

سؤال این است آیا احراز اصالت خودروها این هزینه جامعه رابپوشش می دهد یا باید در فکر چاره و راه حل اساسی دیگری بود؟

ج: بررسی موضوع ازنظر اجتماعی

۱- یکی از وظایف شهرداریها و ادارات راهنمایی و رانندگی جلوگیری از ترافیک شهری و روان سازی ترافیک در سطح شهر، بویژه شهرهای بزرگ است که زمان برای ساکنان آن اهمیت ویژه ای دارد.

نحوه عمل در تعویض پلاکها به شرح مذکور براساس ماده ۲۰ با آماری که به آن اشاره شد بدین گونه است که حداقل روزانه نزدیک به ۴ هزار اتومبیل، در سطح کشور و ۶۰۰ الی ۷۰۰ اتومبیل را درتهران به مراکز تعویض پلاک (که نزدیکترین آن سه کیلومتر خارج از تهران و سایر مراکز بیش از ۱۷ کیلومتر خارج از تهران است) جابه جا می کند.

گفتنی است در بسیاری از استانها، مراکز تعویض پلاک فقط در مراکز استان دایر است و در شهرهای کوچک چنین مراکزی درحال حاضر تأسیس نشده. تردد به مراکز مذکور، ترافیک مضاعفی را بر شهرتهران و سایر شهرها و جاده های کشور تحمیل کرده، که منجر به آلودگی هوا و محیط زیست و ایجاد هزینه های ناخواسته به مردم جامعه است.

بی شک این نحوه عمل مورد خواست هیأت محترم وزیران و دولت خدمتگزار و مسؤولان دلسوز ادارات راهنمایی و رانندگی در سطح کشور نیست.

۲- میزان ریسک عدم اصالت (موارد فنی) خودروها و دستکوب نمودن شماره موتور و شاسی درخودروهای مدل پایین خیلی زیادتر از مدلهای جدید است.

حال آنکه مراکز تعویض پلاک، با وجود ماده ۲۰ به طور مطلق تعویض پلاک خودروهای موردمعامله را بیان کرده و فقط اتومبیلهای پلاک لیزری را تعویض می کند و استثناء کردن پلاکهای غیر لیزری در عدم تعویض پلاک این قبیل خودرو محمل قانونی ندارد و تبعیض در بین دارندگان خودرو در جامعه است. که آن هم مخالف عدالت اجتماعی و روح قانون است.

۳- اگر قصد راهنمایی و رانندگی به روز کردن شماره خودروها و به روز کردن اطلاعات سوابق اتومبیلهاست، چرا فقط به تعویض پلاک خودروهای مورد معامله بسنده کرده، مبنای تبعیض بین دو خودروی مدل ۱۳۸۱ شماره لیزری که یکی در معامله بایدشماره جدید داشته باشد و آن یکی که سالها مورد معامله واقع نمی شود می تواند با همان شماره تردد کند و یا با سند وکالت درا ختیار شخص دیگری قرار گیرد، چیست؟

۴- اختصاص پلاک به احدی از مالکان مشاعی (اعم از مالکان متعدد یا وراث متوفی) تضییع حقوق بقیه مالکان و یا تحمیل، خلاف خواسته جامعه است که این روش خلاف اصل آزادی اراده (اصل پذیرفته شده جهانی) است.

در نهایت «وظیفه دفاتر اسناد رسمی در اعلام مراتب تنظیم سند پست سفارشی به مراکز خودرویی برای ارسال کارت به خریدار که محدودیت زمان اعلام دفاتر، در ماده به طور شفاف بیان نشده، تا چه زمانی است که این هم درماده مسکوت گذاشته شده است که از این حیث این ماده به نظر ناقص است. از نظر حمایت سیستم رایانه ای هم با توجه به سنتی بودن بیشتر دفاتر اسناد رسمی و نیز نبود امکانات در مراکز خودرو و نیز عدم توانایی مخابرات در برخی از شهرستانها در اتصال به شبکه سراسری، عملاً سیستم رایانه ای (حداقل در کوتاه مدت) جوابگوی این نحوه عمل نخواهد بود و از این نظر منتفی است. و همچنین باعنایت به مندرجات تبصره ذیل ماده ۲۰ تا کنون دستورالعمل مدون پس از تصویب ماده فوق به تصویب وزارت کشور نرسیده است و شفاف نیست که نحوه عمل مراکز خودرویی به استناد کدام مصوبه است؟

در بخش آخر با عنایت به مطالب بیان شده پیشنهاد می شود:

۱- ترتیبی اتخاذ شود که اعلام تخلفات به مراکز راهنمایی و رانندگی و شبکه های دولت الکترونیک از تمام کشور به سیستم های رایانه ای کمتر از یک هفته باشد و دفاتر اسناد موظف باشند که گواهی عدم خلاف و شکایت را قبل از تنظیم سند از راهنمایی و رانندگی محل تنظیم سند اخذ کنند.

۲- دفاتر اسناد رسمی پس از تنظیم سند حداکثر به مدت پنج روز مراتب را با ارسال تصویر سند و کارت خودرو با پست خودرویی به مراکز راهنمایی و رانندگی ارسال کنند تا در سوابق مربوطه درج شود.

۳- به خریدار تفهیم شود که شخصاً حداکثر ظرف یک هفته بامدارک تنظیمی دفترخانه برای تعویض پلاک اقدام کند. تا بدینوسیله از معایب ذکرشده و ضررهای حاصله در جامعه جلوگیری شود. امید است که هیأت محترم وزیران و راهنمایی و رانندگی در اصلاح ماده ۲۰ - آیین نامه تجدیدنظر کنند.